

فقط بالغو قرار دادهای اسارت آور امپریالیستی میتوان استقلال ایران را تامین کرد

سخنان آقای وزیر جدید دفاع، باینکه تا حدودی امیدبخش است، ولی هنوز در مرحله حرف است، درحالیکه مردم در انتظار عمل اند بنظر میرسد که ۸ ماه برای امروز به فردا افکندن سرنوشت استقلال ایران بس باشد

دکتر مصطفی چمران، وزیر جدید دفاع، به محض استقرار بر کرسی وزارت اظهاراتی کرده است (کیهان ۸ مهر)، از جمله حاکی از اینکه: «تمام پیمانهای نظامی ایران با غرب ملغی میشود و ایران استقلال سیاسی، نظامی و اقتصادی خود را حفظ خواهد کرد» (صحیح تر این بود که گفته میشد: کسب خواهد کرد، زیرا هنوز ایران استقلال سیاسی، نظامی و اقتصادی خود را تماماً بدست نیاورده است).

درومرد خرید اسلحه و قطعات پدکی آنها، آقای چمران گفته است: «مقدار زیادی از هواپیماها و هلیکوپترهای ماساخت امریکاست و دولت ایران سعی میکند قطعات مورد احتیاج خود را بتواند یک تجارت بدون هیچ شرط و شروطی» خریداری کند ولی اگر خرید بقیه در صفحه ۲

ملاك
انقلابی بودن
و ضد انقلابی
بودن چیست
صفحه ۸ - ستون اول

دومین قسمت
نطق کاسترو و
در کنفرانس
غیر متعهدها



ازگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال اول، شماره ۵۷
پنجشنبه ۱۲ مهر ۱۳۵۸ - لک شماره ۱۵ رمال

اطلاعه کمیته مرکزی
حزب توده ایران
رفیق
علی
امیر خیزی
درگذشت

رفیق امیر خیزی
عضو کمیته مرکزی
حزب توده ایران
و یکی از پیشکسوتان
جنبش کارگری
در ایران بود

در صفحه ۸

درباره
مجلس
خبرگان
و مصوبات
آن (۲)

در شماره گذشته
«مردم»، بحث پیرامون
کارهای مجلس خبرگان
و بررسی مواد مختلفی را
که این مجلس تاکنون
تصویب کرده، آغاز
نمودیم. پس از نگاه
عمومی بجزایر کار مجلس
و چگونگی فعالیت و طرز
کار آن، سه ماده اول
مصوبه را مورد بررسی
قرار دادیم. اینک دنباله
مطالب:

بقیه در صفحه ۲

رفقای حزبی!
هواداران و
دوستان
حزب!

اسناد حزبی (اعلامیه ها،
بیانیه ها و...) منتشره در
«مردم»، ازگان مرکزی
حزب توده ایران، را با
استفاده از تمام امکانات،
بوسیع ترین شکل تکثیر
کنید و به توده های مردم
بفرستید. در شرایط
حساس کنونی این یک
وظیفه مبرم انقلابی است.

اعتراض کاردار سفارت امریکا به اعدام سه سناتور سابق، بار دیگر ماهیت جنایتکارانه امپریالیسم امریکا را نشان میدهد

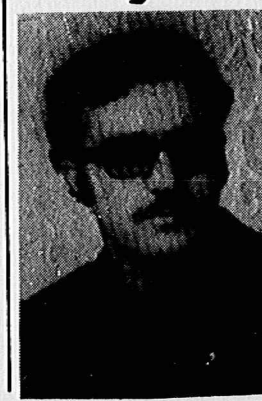
مخلوع دل میسوزاند.
امپریالیستهای خونخوار
امریکا، که انگار دم خروس حقوق
بشر کذائی خود را نمی بینند، بملت
«کھولت»، برای مهره های سپاه
شاه مخلوع دل میسوزاند و این
دست درهنگامی است که صد هائز
و کودک و پسر فلسطینی در جنوب
لبنان بدست شریکان اسرائیلی آنها
قتل عام میشوند.
امپریالیستهای امریکائی که
گمان میکنند مردم قهرمان ما،
خاطره قتل عام دست جمعی - از
جمله زنان و پیر مردان را - در
تل زعتر، می لای و سدها جنایت
نظیر آن در چهار گوشه دنیا از
یاد برده اند، مکارانه لباس «بشر
دوستی» به تن کردار سفارت خود
در تهران کرده اند، فالاند
«احساسات بشر دوستانه خود را به
بقیه در صفحه ۷»

آنچه کاردار سفارت امریکا
بمنوان اعتراض به اعدام سناتور
رژیم شاه مخلوع عنوان کرده است،
در تحلیل آخر اظهارات یک فرد
ساده نیست. این سخنان در واقع
بازتاب سیاست جهان نوازانه
امپریالیسم امریکا است، سیاستی
که مدتهاست لباس باصطلاح حقوقی
بشر، به تن کرده است، تا در زیر
این جامه عوام فریب، ماهیت اصلی
خویش را، که بدون کشیدن و غارت
خلفهای جهان است، پنهان کند.
امپریالیستهای امریکائی، که
تا آخرین لحظه بقای نظام شاهنشاهی،
در جنایت این رژیم نقش اصلی را
داشتند و در طول سلطه خود بر
ایران، علاوه بر غارت منابع کشور،
هزاران نفر را به زندانهای قرون
وسطائی انداختند، شکنجه کردند
و یا به جوخه های اعدام سپردند،
اکنون برای سه جنایتکار رژیم شاه

اعتراض کاردار سفارت امریکا
به اعدام ۳ سناتور رژیم شاه مخلوع،
یکبار دیگر بوضوح نشان داد که
امپریالیسم خونخوار امریکا،
همچنان مدافع رژیم خونخوار
آرشیامهری و مهره های سپاه آن
است.

چنانکه مطبوعات نوشتند،
بروسال لنگ، کاردار سفارت امریکا
در ایران، در ملاقاتی با وزیر کشور،
به اعدامهایی که از طریق دادگاههای
انقلاب، پس از صدور فرمان عفو
امام صورت گرفته، بخصوص اعدام
سه سناتور اخیر، بدلیل «کھولت
سنتان، ایراد گرفته است!
خوشبختانه وزیر کشور و
سختگوی دولت به سرعت درباره
این دخالت آشکار امپریالیسم امریکا
در امور داخلی ایران واکنش
کردند و با فاش کردن این دخالت
در مطبوعات، یک بار دیگر به همه
مردم ما نشان دادند که امپریالیسم
امریکا قصد ندارد از دخالت در
امور ایران خودداری کند.

بمناسبت سالگرد شهادت
تورج حیدری بیگوند
جانبازی و فداکاری در راه
آرمانهای خلقی، همراه با
تکامل اندیشه های توانا



با فرارسیدن ۱۲ مهر ۱۳۵۸
۳ سال از شهادت رفیق تورج
حیدری بیگوند بدست رژیم
ساواک میگذرد.
سه سال پیش در چنین روزی،
در دوران رشد ظفر نمون حرکت
انقلابی توده ها، که دو سال و نیم
بعد در خروش طوفانی خود رژیم
سفاک پهلوی را سرنگون ساختند،
جلادان وحشی زده ساواک، که از
رشد جنبش مردم سر اسامه شده بودند،
به جنایت دیگری دست زدند و
ایشان را خون جوشان یک مبارز جوان
بقیه در صفحه ۷

نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران به: شورای انقلاب - دولت موقت جمهوری اسلامی ایران - دادستان کل دادگاههای انقلاب درباره شهادت رفقا آذر نوش مهدویان و حسین شیانی

در جنبش انقلابی مردم ایران علیه رژیم پهلوی، فعالانه
شرکت کردند، در فرآیند تاریخی، طبق فراخوان حزب
خود، به استقرار جمهوری اسلامی رای مثبت دادند، در
انتخابات مجلس خبرگان، بسودگاندیدهای ضد استعمار
و ضد استبداد شرکت کردند، پس از پیروزی انقلاب،
روزها و شبها در مساجد و مدارس و خیابانها و مبادین
برای حفظ دستاوردهای انقلاب ایران پاسداری نمودند،
مردم را به اتحاد و همبستگی، زیر رهبری قاطعانه امام
خمینی، فراخواندند و برای روشن کردن افکار درباره
بفرجه ترین مسائل انقلاب ایران بیدریغ بمرم یاری
رساندند، آنها توده ایهای ازجان گذشته، مبارزان بیدار
و مقصدی بودند و طبق سیاست ورخنمود حزب خود -
حزب توده ایران - جز این هم نمیتوانستند عمل کنند.
نسبت دادن دو رفیق شهید ما به «شرکت در

فعالتهای حزب دمکرات کردستان» نیز بکلی واهی و
بر اساس است. مبنای این اتهام «اشتباهی» ظاهر وجود
کلمه «دمکرات»، هم در نام سازمان جوانان و دانشجویان
دمکرات ایران، و هم در نام «حزب دمکرات کردستان»
بوده است. دادستان انقلاب در کرمانشاه، وجود این یک
کلمه مشترک در دو نام بکلی مختلف را، که سازمانهای
بکلی جداگانه و مختلفی اطلاق میشوند، دلیل بر تعلق
«سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات» به «حزب
دمکرات کردستان» دانسته و چون آذر نوش مهدویان
منازه مورد اجاره خود را در اختیار شبه کرمانشاهان
«سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات» قرار داده بود،
اورا منتسب به حزب دمکرات کردستان محسوب و حکم
اعدام وی را صادر کرده است. برای حسین شیانی،
بقیه در صفحه ۷

بطوریکه روزنامه ها و رسانه های گروهی نیز
بموقع خود اطلاع دادند، با تعداد ۲۸ مرداد ۱۳۵۸،
دو تن از اعضای حزب توده ایران آذر نوش مهدویان
و حسین شیانی، که بدون ادله حکم، بدستور دادستان
انقلاب در کرمانشاه دستگیر شده بودند، به حکم دادگاه
انقلاب کرمانشاه اعدام گردیدند، اتهامی که علیه آنها
عنوان شد این بود که گویا آنها «شد انقلابی»،
(داخل لنگر)، «محرک»، «شریک در فعالیتهای حزب دمکرات
کردستان» و از شرکت کنندگان در حوادث پیاده
بوده اند.
ما این اتهامات و نسبتها را قویا رد و تکذیب
میکنیم و اعدام آنها را یک قتل فجیع میشمیریم.
رفتای اعدام گشته ما ضد انقلابی نبودند. آنها
انقلابیون فداکاری بودند که همانند هزاران توده ای دیگر،

قرارداد دوجانبه نظامی ایران و آمریکا باید بی درنگ لغو شود

درباره مجلس خبرگان ومصوبات آن^(۲)

ماهی ۴، پس از مدت‌ها بحث، تصویب نشده باقی ماند، تا آنکه ماهه تازه ۵ مهر طبع شده که بکلی انظار و بهنگها را بر این مدتی متوجه خود کرد. در این ماه مردم توسط دولت برای ویش نویسی قلیو شکل در پیش نویس وجود نداشت و نه قتها و نه خبرگان و نه مردم در پاره‌هایی متحوی آن‌مزمزهای آن و معنای آن حدود عمل آن‌ها تو اقل نظر و نمیر یگان‌های دانشمند نه حتی اطلاع‌های این‌ماه بدون آنکه گرمی از مسئله‌ای بگشاید و بوضوح و بصیرت مسئله‌ای را بیان کند، از خبر اکتون باب بحث‌ها و تفهیرهای بسیاری را گوشه‌هاست. از فرار از ضمانت هغه اول تشکیل مجلس خبرگان که بدین یکینه مجلس عمومی داشت، این مطلب به بحث خبرگان گذاشته شده بود. دامنه اظهار نظرهای موافق و مخالف از همان وقت به‌روشن کشیده شد.

محتوی اسلی با اصطلاح «بار اسلامی»

این‌ماه در پیش نویس قبلی، بصورت کاملاً مجفاوت و تحت عنوان «دوای نگهان» و مواد مختلف دیگری، که به قفا امکان اظهار نظر قلمی را میدهند، گنجانده شده بود. اکتون با شکل جدیدی که مسئله ولایت مطرح شده، مسئله اساسی‌ها و نفس آزادی مردم و اینکه قوای کشور ناشی از کیست و باید قدرت حاکمت با مردم است یا نه او شدت وحدت خودمانی می‌کنند.

مسائل مطرحه در این فاصله عبارتند از: ناروشنی مزمزهای این ولایت و اینکه هر یک کدام «دار» و امور دولتی قفه یا قوه ولایت و حکومت‌دارند تا چه اندازه این ولایت با قومیت بر صراحت - آنجا که صراحتاً مطرح شده است - شهادت‌دار و اینکه آیا این اصل، که مبوب به قف تقفه می‌اشد، تا چه حد بوساقتا در حکومت مسووی میتواند بر سایر هموطنان غیر شیعی ما، امع از مسلمان سنی مذهب یا صاحبان سایر ادیان حاکم گردد و چگونه میتوان قفه جامع‌الشرایط را یافت.

در اینجا فی الواقع مسئله حکومت مردم بر مردم، حق مردم و حاکمت مردم است که مطرح میگردد. و فراموش نباید کرد که نظام کنونی خود بر پایه و فرزندم، بشی اظهار نظر عمومی مردم، در صدمت یافت. این واقعیت خود مضمون ماهه اول است که تاریخ در صددای رام در صدر قانون اساسی ذکر کرده‌است.

افزافه کنیم که آن‌کسانی هم که با ولایت قفه

ابتدا مخالفتی ندارند، ذکر چنین ماده‌ای را چنانز نمیشنوند و اسلام رامستنی از آن میدانند که با مافوقانون اساسی تسلیم شود و ویش نویس قبلی نقش را، که در مواد مختلف آن برای قفا پیش نمیشده بود، کافی برای منظور و محافظ روح این اصل میدانند.

اصل غشیم می‌گوید که «دومور کشور با پندای انکاء بر آراء عمومی اداره شده و از راه انتخابات، که انواع آنرا بر می‌شمرد، در پیش نویس قانون اساسی چنین ماده‌ای نبود. ماده سوم مربوط به شوراهای بود که اولین جمله آن چنین است: «آراء عمومی میبای حکومت، پس بر رفت آفکاری که در متن تصویب شده انجام گرفت. روشن است زیرا پس اینک مبنای حکومت آراء عموم باشد، و اینکه با انگاء بر آراء عموم امور کشور اداره شود، تفاوت زیادی است. حکومت مردم، یعنی آنکه رای آنها مینا باشد، در حالیکه در حکومت خودکامه یا انحصارگر هم احتمالاً میتوان لافل برای مدتی، به انگاء آراء مردم، امور را اداره کرد. متن پیش نویس، روح مکتور انگ و خلقی انقلاب مارا مکتسک میگردد، اما متن در حالیکه شده است از این روح پر خروش نهی است. در حالیکه مردم با طوبخ کامل خوردا برای آنکه رای‌ها گیت و باید قدرت حاکمت با مردم است یا نه او شدت وحدت خودمانی می‌کنند.

مسائل مطرحه در این فاصله عبارتند از: ناروشنی مزمزهای این ولایت و اینکه هر یک کدام «دار» و امور دولتی قفه یا قوه ولایت و حکومت‌دارند تا چه اندازه این ولایت با قومیت بر صراحت - آنجا که صراحتاً مطرح شده است - شهادت‌دار و اینکه آیا این اصل، که مبوب به قف تقفه می‌اشد، تا چه حد بوساقتا در حکومت مسووی میتواند بر سایر هموطنان غیر شیعی ما، امع از مسلمان سنی مذهب یا صاحبان سایر ادیان حاکم گردد و چگونه میتوان قفه جامع‌الشرایط را یافت.

در اینجا فی الواقع مسئله حکومت مردم بر مردم، حق مردم و حاکمت مردم است که مطرح میگردد. و فراموش نباید کرد که نظام کنونی خود بر پایه و فرزندم، بشی اظهار نظر عمومی مردم، در صدمت یافت. این واقعیت خود مضمون ماهه اول است که تاریخ در صددای رام در صدر قانون اساسی ذکر کرده‌است.

افزافه کنیم که آن‌کسانی هم که با ولایت قفه

توصیه به رفقای حزبی، هواداران و دوستان در مورد اخباری که برای «مردم» می‌فرستند

بسیاری از رفقای حزبی و هواداران و دوستان حزب، در زمینه‌های گوناگون برای «مردم» خبر می‌فرستند، که موجب تشکر فراوان است.

«مردم» بر اساس اطمنان و اعتمادی که به رفق و هواداران و دوستان دارد، از این خبرها استفاده میکند و برای اطمنان بصحت اخبار هم، چنین تکیه و پایدکی فرستندگان اخبار و گزارشها مسئولیت خطره خود را در این زمینه بخوبی درک می‌کنند، امکان دیگری ندارد.

ولی متأسفانه تاکنون در چندین مورد معلوم شده که اخبار دریافتی دقیق نبوده است. از آنجا که «مردم» روزنامه‌های مسئول و دوستان مردم صاحب‌نقوذ و اعتبار است، و از آنجا که در شرایط بسیار حساس این اخبار است، موجب سوءتفاهم شود و نتایج ناگوارتری بسیار آورد و نیز به نقوذ و اعتبار حزب لطمه بزند، از همه رفقای حزبی و دوستان دوستان خواهش می‌کنم که در کسب و فرستادن اخبار دقت و امیدبول دارند، با ساسی «مردم»

بسیاری از رفقای حزبی و دوستان حزب، در زمینه‌های گوناگون برای «مردم» خبر می‌فرستند، که موجب تشکر فراوان است.

«مردم» بر اساس اطمنان و اعتمادی که به رفق و هواداران و دوستان دارد، از این خبرها استفاده میکند و برای اطمنان بصحت اخبار هم، چنین تکیه و پایدکی فرستندگان اخبار و گزارشها مسئولیت خطره خود را در این زمینه بخوبی درک می‌کنند، امکان دیگری ندارد.

ولی متأسفانه تاکنون در چندین مورد معلوم شده که اخبار دریافتی دقیق نبوده است. از آنجا که «مردم» روزنامه‌های مسئول و دوستان مردم صاحب‌نقوذ و اعتبار است، و از آنجا که در شرایط بسیار حساس این اخبار است، موجب سوءتفاهم شود و نتایج ناگوارتری بسیار آورد و نیز به نقوذ و اعتبار حزب لطمه بزند، از همه رفقای حزبی و دوستان دوستان خواهش می‌کنم که در کسب و فرستادن اخبار دقت و امیدبول دارند، با ساسی «مردم»

فقط بالفوقراردادهای اسارت اورا مریالیستی میتوان استقلال ایران را ...

تقله باقلعات این اسلحه‌ها بخواهد يك «شرط سیاسی» برانرا تحمیل کند، ایران از جیح میدهد که از همه سلاحهای خود صرف نظر کند و ایشیاء دیگری از جیح دیگری نیز بخرید. برای دومورد سرنوشت جنگنده‌های تهاجمی اف‌۱۹، آقای وزیر دفاع، بر خلاف موضوع نگویم یمنانی نظامی و لغو خرید قطعات برای اسلحه، پاسخ صریحی نداد، بلکه گفته است: «بس از مطالعه و بررسی مسائل، نتیجه آرا اعلام خواهیم داشت».

اینجا علاوه بر مطالبی که آقای وزیر دفاع در مورد پاکسازی و نوسازی ارتش بیان داشته و بدلیل اهمیت آن باید موضوع بحث جداگانه‌ای قرار گیرد، اظهاراتی است رسمی، که از جانب مقام وزارت دفاع اعلام شده است.

اظهارات مزبور با اینکه تا حدود زیادی صریح است، ولی با توجه به برخی ابهامات که در خود این اظهارات وجود دارد و با توجه به اظهارات رسمی دیگری که از جانب دیگر مقامات مسئول بیان گردیده، و نیز با توجه به اخباری که در جریان انتشار یافته، پرسشهایی زیر باقی‌مانده است.

دومورد اف‌۱۹ «تمام یمنانی نظامی ایران با غرب» می‌تواند یاد آور شده که، آقای دکتر زیدی وزیر خارجه تفاوتی بین قرارداد دوجانبه نظامی با آمریکا با صدها قرارداد دیگری که ناشی از آن منعقد گردیده‌اند، قائل شده است.

این صدها قرارداد، بنابه توضیحات وزیر خارجه، چون جنبه مالی دارند، تصمیم نسبت به سرنوشت آنها بر عهده مقامات ارتش و در آخرین مرحله وزارت دفاع است. ولی تصمیم نسبت به سرنوشت قرارداد دوجانبه نظامی با آمریکا، که قراردادی دوجانبه، تصمیم نظامی جنبه مالی ندارد، بر عهده وزارت خارجه و در آخرین مرحله دولت است. بنابراین، این سؤال مطرح است که: آیا مقامات ارتش و وزارت جنگ نسبت به لغو آن صدها قرارداد و وزارت خارجه دولت نسبت به لغو قرارداد «مداره»، یعنی قرارداد دوجانبه، تصمیم نهائی اتخاذ کرده‌اند و اگر اتخاذ کرده‌اند، چرا این تصمیم را اعلام نمی‌دارند و اگر اتخاذ نکرده‌اند، مبنی بر کدام تصمیم است که وزیر جدید دفاع اظهار می‌دارد: «تمام یمنانی نظامی ایران با غرب ملغی میشود».

موضوع خرید اسلحه و قطعات یدکی نیز دچار ابهام و در نتیجه ماهی نگاری است. و ذوقبل از اظهارات وزیر جدید دفاع، روزنامه باپداد (هفتم مهرماه) به نقل از «خبرنگار خصوصی» خبری بشرح زیرین انتشار داد:

انچه امریکا باید بداند

خواندان مطالب مهم و چاپ همه روزنامه‌ها هر قدر هم لازم باشد - برای همه کسی مقدور نیست، نه وقت هست و نه امکان. ولی در بسیاری از جرایم، خبرها و مطالب مهم و چاپی نوشته میشود و شخصیتها دست اندر کاران در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی هائی می‌باشند که در این زمینه مسئولیتها را بر عهده دارند. در این زمینه ما مسئولیتها را بر عهده داریم.

ما در این زمینه مسئولیتها را بر عهده داریم. ما در این زمینه مسئولیتها را بر عهده داریم. ما در این زمینه مسئولیتها را بر عهده داریم.

ما در این زمینه مسئولیتها را بر عهده داریم. ما در این زمینه مسئولیتها را بر عهده داریم. ما در این زمینه مسئولیتها را بر عهده داریم.

روزنامه جمهوری اسلامی (۹ مهر) درسی مقاله خود تحت عنوان «انچه امریکا باید بداند» چنین نوشته است: ...

کاردان سفارت امریکا در ایران، قبل از این پستی که اکنون در ایران دارد، یکی از میره‌های وحشتناک دستگاه جنیم «سپاه» و زارت امور خارجه امریکا بوده است و در وزارت خارجه با پست کثالت معاونت وزیر خردت (۱) می‌گردد. نامبرده روز گذشته با وزیر کشور جمهوری اسلامی ایران ملاقات میکند که چیکوید؟

امریکا از سیاست تجاوز - کارنامه‌اش بر علیه خلقهای مستضعف جهان دست برداشته است؟ نه! امریکا دیگر از تجاوزات دیگری برخوردار است؟ نه! امریکا دیگر از تجاوزات دیگری برخوردار است؟ نه! امریکا دیگر از تجاوزات دیگری برخوردار است؟ نه!

انچه امریکا باید بداند

خواندان مطالب مهم و چاپ همه روزنامه‌ها هر قدر هم لازم باشد - برای همه کسی مقدور نیست، نه وقت هست و نه امکان. ولی در بسیاری از جرایم، خبرها و مطالب مهم و چاپی نوشته میشود و شخصیتها دست اندر کاران در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی هائی می‌باشند که در این زمینه مسئولیتها را بر عهده دارند. در این زمینه ما مسئولیتها را بر عهده داریم.

ما در این زمینه مسئولیتها را بر عهده داریم. ما در این زمینه مسئولیتها را بر عهده داریم. ما در این زمینه مسئولیتها را بر عهده داریم.

ما در این زمینه مسئولیتها را بر عهده داریم. ما در این زمینه مسئولیتها را بر عهده داریم. ما در این زمینه مسئولیتها را بر عهده داریم.

روزنامه جمهوری اسلامی (۹ مهر) درسی مقاله خود تحت عنوان «انچه امریکا باید بداند» چنین نوشته است: ...

کاردان سفارت امریکا در ایران، قبل از این پستی که اکنون در ایران دارد، یکی از میره‌های وحشتناک دستگاه جنیم «سپاه» و زارت امور خارجه امریکا بوده است و در وزارت خارجه با پست کثالت معاونت وزیر خردت (۱) می‌گردد. نامبرده روز گذشته با وزیر کشور جمهوری اسلامی ایران ملاقات میکند که چیکوید؟

امریکا از سیاست تجاوز - کارنامه‌اش بر علیه خلقهای مستضعف جهان دست برداشته است؟ نه! امریکا دیگر از تجاوزات دیگری برخوردار است؟ نه! امریکا دیگر از تجاوزات دیگری برخوردار است؟ نه!

انچه امریکا باید بداند

خواندان مطالب مهم و چاپ همه روزنامه‌ها هر قدر هم لازم باشد - برای همه کسی مقدور نیست، نه وقت هست و نه امکان. ولی در بسیاری از جرایم، خبرها و مطالب مهم و چاپی نوشته میشود و شخصیتها دست اندر کاران در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی هائی می‌باشند که در این زمینه مسئولیتها را بر عهده دارند. در این زمینه ما مسئولیتها را بر عهده داریم.

ما در این زمینه مسئولیتها را بر عهده داریم. ما در این زمینه مسئولیتها را بر عهده داریم. ما در این زمینه مسئولیتها را بر عهده داریم.

ما در این زمینه مسئولیتها را بر عهده داریم. ما در این زمینه مسئولیتها را بر عهده داریم. ما در این زمینه مسئولیتها را بر عهده داریم.

انچه امریکا باید بداند

خواندان مطالب مهم و چاپ همه روزنامه‌ها هر قدر هم لازم باشد - برای همه کسی مقدور نیست، نه وقت هست و نه امکان. ولی در بسیاری از جرایم، خبرها و مطالب مهم و چاپی نوشته میشود و شخصیتها دست اندر کاران در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی هائی می‌باشند که در این زمینه مسئولیتها را بر عهده دارند. در این زمینه ما مسئولیتها را بر عهده داریم.

ما در این زمینه مسئولیتها را بر عهده داریم. ما در این زمینه مسئولیتها را بر عهده داریم. ما در این زمینه مسئولیتها را بر عهده داریم.

ما در این زمینه مسئولیتها را بر عهده داریم. ما در این زمینه مسئولیتها را بر عهده داریم. ما در این زمینه مسئولیتها را بر عهده داریم.

بمناسبت سی امین سالگرد انقلاب خلق چین

اول اکتبر (نهم مهر) از روز پیروزی انقلاب خلق چین سی سال سپری گردید. مردم چین، برهبری حزب کمونیست چین، درسی سال پیش، در پی مبارزات قهرمانانه و جنگهای داخلی طولانی، انقلاب خلقی و دستانماری رانر کشور پهناورخود به پیروزی رساندند و در راه ساختمان سوسیالیسم **۴۳** گام بردند.

غلبه بر فاشیسم آلمان و ردیی آن میلیاردم زاین در جنگ دوم جهانی، که بطور عمده در نتیجه یکبار قهرمانانه و تحسین آفرین ارتش مردم شوروی امکان پذیر گردید، از عوامل مؤثر و تضمین کننده پیروزی این انقلاب بودند. مردم مستعبد چین، پس از پیروزی انقلاب، به نظام نوین سوسیالیستی در کشور، که برای رهایی از فقر و عقب ماندگی قرون اعصار و لغو سیستم تبعیضاتی که از جانب ارتجاع درونی و استعمارگران امپریالیسم خارجه بر آنان روا میشد، امید فراوان بسته بودند و پاشور و شوق و از خود گذشتگی بمانند به ساختمان زندگی نوین در کشور خود پرداختند.

در نخستین دهه پس از انقلاب، جمهوری خلق چین و حزب کمونیست چین در خانواده کشورهای سوسیالیستی و جنبش جهانی کمونیستی، از پشتیبانی همه جانبه و بریدید این خانواده چه در عرصه جهانی و چه در ساختمان زندگی نوین، برخوردار بودند. کشور عقب مانده‌ای مانند چین، با آن سرزمین پهناور و کثرت فوق‌العاده جمیت در این سالها، در ترو کسکهای سرشار اقتصادی و فنی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، که در این سالها در زمینه ساختمان سوسیالیسم را پیش می‌کنند، در این سالها در زمینه گسترش بهداشت و آموزش و فرهنگ و ارتقاء سطح زندگی توده‌های صد میلیون چین گامهای مؤثری برداشته شد.

هماهنگی سیاست خارجه با اردوگاه سوسیالیستی نیروهای ترقیخواه جهان، در مر بین المللی میان خلقهای جهان، منزلت مقام شایانی برای خلق چین و وظا سوسیالیستی در آن کشور کسود نمود. قدرت سیاسی اقتصادی و نظامی اردوگاه سوسیالیستی و در درجه اول اتحاد شوروی، و تکیه مصونیت چین از توطئه‌ها و تحریکات رقیته‌های تجاوری امپریالیسم چین در خانواده کشورهای سوسیالیستی، وزنه سنگینی بود در کنه تغییر تناسب نیروها در عرصه جهانی بفتح نیرو های صلح و دگرگامی و سوسیالیسم.

اما متأسفانه، همه این جهات مثبت، با چرخش بنیادی در سیاست رهبری چین و تسلط اندیشه‌های ماوئیستی در حزب کمونیست دولت چین یکباره دگرگون شد. ماوتسه دون و پیروان او که موفق شدند با توطئه و تیریک قدرت سیاسی خود را در رهبری حزب و حکومت مسلط سازند، با اتخاذ مواضع ایدئولوژیک و سیاسی ارتجاعی و بی نظار ماروا، چه بتدریج پرداخت ترین مواضع ارتجاعی، تومسه طلیی و جنگ طلیی و همکاری با امپریالیسم جهانی خریدند. هر قدر رهبری ماوئیستی چین در عرصه جهانی از مواضع سوسیالیسم و فرتی دوری کردید، به همان میزان و با شتاب دوندانی به مواضع سیاه ترین نیروهای ارتجاع و محافل جنگ طلب امپریالیسم جهانی نزدیک شد. امروز دیگر اندیشه‌ها و نظریات ماوتسه دون و پیروان او، که مواضع ضد انقلابی و ضد سوسیالیستی خورا کرده است را در هم چا رت میکنند، کاملاً غرای شده و حتی در دوآته ترین پیروان ماوئیستی غیر قابل توجهی دفاعند. در واقع اندیشه‌ها و نظریات ماوئیستی بسیار زودتر از آن که انتظار میرفت به تقرور و سکتسکی گردانید، امروز هواداران فریب خورده این اندیشه‌ها، با سر خوردگی و آوارگی اندیشه‌ای، کفاده این گمراهی را می‌پروازند.

در دوران کشور نیز همه امیدهای تابناک توده‌های ضد میلیونی خلق چین به پاس گرایید.

تحلیل اندیشه‌ها و نظریات نادرست و زیان بخشی که بوزیر در «انقلاب فرهنگ» و در ریشه کن کردن همه نهادهای دگرگامی آزادی در تفنق موازین سوسیالیستی در اقتصاد و فرهنگ، در حزب کمونیست و کشور چین جسم یافته، برای مرد مستعبد چین، چرمونیتیهایی فراوان و میلیونها قربانی به ارمان آورد. امروز رهبری سوسیالیسم امیدوارند که خلق مستعبد چین، با الهام از تجارب درخشان انقلابی خود، هر چه زودتر به این دوران کاپوس و وحشت پایان بخشد و در شاهراه آزادی و بهروزی و ساختمان نظام سوسیالیستی پیشرویی خود ادامه دهد.

ماس این سالگرد این انقلاب پراختیارابه همه مردم چین از تصمیم قلب تبریک گفته آرزومندیم که خلق چین سرنوشت شایسته خود را بازیابد و از نتایج انقلابی که با یکبارگی قهرمانانه و از خود گذشتگیهای دلیرانه آن خلق، در سی سال پیش، به پیروزی رسید، برخوردار گردد.

روزنامه جمهوری اسلامی (۹ مهر) درسی مقاله خود تحت عنوان «انچه امریکا باید بداند» چنین نوشته است: ...

کاردان سفارت امریکا در ایران، قبل از این پستی که اکنون در ایران دارد، یکی از میره‌های وحشتناک دستگاه جنیم «سپاه» و زارت امور خارجه امریکا بوده است و در وزارت خارجه با پست کثالت معاونت وزیر خردت (۱) می‌گردد. نامبرده روز گذشته با وزیر کشور جمهوری اسلامی ایران ملاقات میکند که چیکوید؟

امریکا از سیاست تجاوز - کارنامه‌اش بر علیه خلقهای مستضعف جهان دست برداشته است؟ نه! امریکا دیگر از تجاوزات دیگری برخوردار است؟ نه! امریکا دیگر از تجاوزات دیگری برخوردار است؟ نه!

انچه امریکا باید بداند

خواندان مطالب مهم و چاپ همه روزنامه‌ها هر قدر هم لازم باشد - برای همه کسی مقدور نیست، نه وقت هست و نه امکان. ولی در بسیاری از جرایم، خبرها و مطالب مهم و چاپی نوشته میشود و شخصیتها دست اندر کاران در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی هائی می‌باشند که در این زمینه مسئولیتها را بر عهده دارند. در این زمینه ما مسئولیتها را بر عهده داریم.

ما در این زمینه مسئولیتها را بر عهده داریم. ما در این زمینه مسئولیتها را بر عهده داریم. ما در این زمینه مسئولیتها را بر عهده داریم.

ما در این زمینه مسئولیتها را بر عهده داریم. ما در این زمینه مسئولیتها را بر عهده داریم. ما در این زمینه مسئولیتها را بر عهده داریم.

انچه امریکا باید بداند

خواندان مطالب مهم و چاپ همه روزنامه‌ها هر قدر هم لازم باشد - برای همه کسی مقدور نیست، نه وقت هست و نه امکان. ولی در بسیاری از جرایم، خبرها و مطالب مهم و چاپی نوشته میشود و شخصیتها دست اندر کاران در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی هائی می‌باشند که در این زمینه مسئولیتها را بر عهده دارند. در این زمینه ما مسئولیتها را بر عهده داریم.

ما در این زمینه مسئولیتها را بر عهده داریم. ما در این زمینه مسئولیتها را بر عهده داریم. ما در این زمینه مسئولیتها را بر عهده داریم.

ما در این زمینه مسئولیتها را بر عهده داریم. ما در این زمینه مسئولیتها را بر عهده داریم. ما در این زمینه مسئولیتها را بر عهده داریم.

اسناد حزبی

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران دربارهٔ انتخابات شوراهای شهر

روز اول مهرماه ۱۳۵۸، وزارت کشور اعلام داشت که انتخابات شوراهای ۱۵۶ شهر در روز ۲۰ تا ۲۰ سپتامبر ۱۳۵۸ انجام خواهد شد. روز ۳۰ سپتامبر ۱۳۵۸ متن لایحه قانون انتخابات شوراهای شهر انتشار یافت. در همان روز وزارت کشور اعلام داشت که انتخابات شوراهای شهر در تهران، مشهد، تبریز، شیراز، اصفهان و اهواز به‌توقیف می‌ماند، زیرا به‌شرایط متعلق، یعنی عاملین امپریالیسم، به‌سرکردگی امپریالیسم آمریکا، صهیونیسم و چهارلگری و تحمیل فرهنگی و اشاعهٔ فساد زنگ آغاز سال تحصیلی را به‌صدای خود نخواهند آورد و دیگر، هرگز، ترهات‌شاه مخلوع به‌نام دوام، فضای نخستین روزهای تحصیلی را زهر آنگین و تلخ نخواهد کرد. اکنون دیگر هر جوان و نوجوان ایرانی، که به‌مدرسه و دانشگاه کام می‌نهد، می‌تواند این امید الهام‌بخش را در دل به‌وراند که در راه خدمت و استقلال و آزادی‌مومن، در راه خدمت به‌خلق محروم و برای پیروزی به‌تصیل خواهد پرداخت؛ می‌تواند این آیندهٔ روشن را مجسم کند که نمرهٔ کوشش‌هایش در راه کسب علوفهٔ نصیب انحصارهای خارجی و فاکتور آن داخلی، خانوادهٔ مغفوره‌پهلوی و ایادی آن و زلواهای اجتماع نخواهد شد.

بیشک ابرهای تیره‌ای، که نشانی از خطل است، در افق پیداست، ولی قلب و مغز جوانان و نوجوانان، که در به‌نام رساندن انقلاب بزرگ خلقی، سهم شایستهٔ وگرنه تقدیری داشته‌اند، به‌آن اندازه آبدیده و غنی، پر شور ویر شموارست است که این ابرهای تیره را با پاک‌کن و خودبار نخواهد دید، بلکه هشداردهنده و تهبهن‌کننده خواهد یافت.

آری، آغازی به‌سابقه است و این‌را خود جوانان دانشگاهی و نوجوانان محصل ما به‌خوبی‌می‌دانند، می‌دانند که در این پیروزی دورا ناساز دانش آموزان و دانشجویران چشم بزرگ و فرورد آفرینی دارند. از ۳۵ سال‌تسلط جهنم‌ومرگیار محمدرضای فاسد حتی یک‌سال را نمی‌توان شاهد آورد که دانشگاه‌ها خاموش مانده باشد و بنسنگ دانشکده‌ها و مدارس انجمن‌اهدان و مبارزان خالی. ستهای تبرد دانشگاهی‌ماود این سال‌های خفقان استبداد، بحق‌مایهٔ تهنر و سرنبدی‌همهٔ مردم ایران است. دانشجویران و دانش آموزان ما در تمام این مدت با نااستیکی‌بیان‌گر خواست‌های خلقی‌های محروم ایران شدند و هر مهرما و آغاز سال تحصیلی‌را، هر آذرماه و سالگرد ۱۶ آذر تاریخیرا، هر بن‌منا و یادبود پرورش به دانشگاه‌ها را و هر خانهٔ مسال تحصیلی‌را به‌مناسبت‌هایی برای به‌یادگذاشتن و خشکی‌نا پذیر خورد علوهٔ رژیم سلطنتی دست‌نشانده‌وار با نش و یادایش بدل می‌کردند. طاقتویران هر را، لرنه براندام و ترسان انجمنی از آن‌گر دانشجویران، انواع تدابیر را، از خونین‌ترین سرکوب‌ها تا ظریف‌ترین فریب‌ها، اتخاذ می‌کردند، ولی هر بار با شکستی‌مغضانه رو برو می‌شدند. در سال فراموش نشدنی انقلاب، دانشگاهها و مدارس انجمن‌ترین، شعله‌انگیزترین و پهن‌اندام‌ترین کانون‌های انقلاب بودند. یاد آنچه فر بانی و فداکاری‌واپیاد را خلق ایران، و تاریخیرایران در کن فراموش نخواهد کرد. نقش جوانان و نوجوانان دانشجویران در این انقلاب بزرگ جاودانه‌برسینه‌ها، بر عقول و بر صفحهٔ تاریخ ثبت است.

سال تحصیلی جدید در شرایط به کلی نازمانی آغاز می‌شود. از یک‌سو دستاوردهای بزرگ انقلاب خلقی و ضد امپریالیستی در برابرن همهٔ ماست و لزوم دفاع از آن‌ها، تثبیت و گسترش آن‌ها، انوسوی دیگر فعالیت‌های خلقی‌ها ضد انقلابی و چرخش به‌راست و خطر محو یا محدود کردن بسیاری از این دستاوردها و ضرورت حیثیاری هرچه زرف‌تر و اتحاد هر چه محکمتر به‌خاطر رفح خلق.

این شرایط به کلی تازه، وظایف به کلی نازمانی‌ها در برابر جوانان و نوجوانان در سال تحصیلی جدید فرارمیدهد. باید همهٔ کوشش خلاصهٔ نوآروده، اصولی و بر نرمن را به‌کار برد تا در شرایط جدید، بزداشت کمهٔ نداشت و با وسایل گذشته عمل نکند. باید تحمیل‌مشخمی وضع جدید را در تنه‌های دلمی آن و مسائل جدیدی که هر روز زانیده می‌شود و شوه‌های جدید بر خورد با آن‌ها مدنظر هر دانشجو و دانش آموز آگاه و متعهد و مسؤل باشد.

وظیفهٔ ماست که متوجه باشیم محافل راست‌گرای انحصار طلب‌درا سال تحصیلی جدید خواهند کوشد از بر خورد آزادانهٔ عقاید و افکار جلوگیری کنند، جوویز و محدودی‌را بر محفل دانشگاهها و دبیرستان‌ها تحمیل نمایند، با دستاویرن های نازمانی‌پهلوی آزادی فعالیت و عمل اجتماعی و مشارکت و مشورت در امور را بکنورن، اصل تحمل عقاید دیگران را ناپایده بکنورن. ضد انقلاب هم آشکار و پنهان از این تلاش‌هایشیعانی می‌کند. این گرایش که آیتسب خطرات بسیاری است، با توجه به‌سته‌های درخشان گذشته، بیشک راه‌به‌جائی نخواهد برد، ولی می‌تواند مانع جریان عادی امور تحصیلی

کمیته مرکزی حزب توده ایران به‌مناسبت آغاز سال تحصیلی جدید

روز اول مهرماه ۱۳۵۸، وزارت کشور اعلام داشت که انتخابات شوراهای ۱۵۶ شهر در روز ۲۰ تا ۲۰ سپتامبر ۱۳۵۸ انجام خواهد شد. روز ۳۰ سپتامبر ۱۳۵۸ متن لایحه قانون انتخابات شوراهای شهر انتشار یافت. در همان روز وزارت کشور اعلام داشت که انتخابات شوراهای شهر در تهران، مشهد، تبریز، شیراز، اصفهان و اهواز به‌توقیف می‌ماند، زیرا به‌شرایط متعلق، یعنی عاملین امپریالیسم، به‌سرکردگی امپریالیسم آمریکا، صهیونیسم و چهارلگری و تحمیل فرهنگی و اشاعهٔ فساد زنگ آغاز سال تحصیلی را به‌صدای خود نخواهند آورد و دیگر، هرگز، ترهات‌شاه مخلوع به‌نام دوام، فضای نخستین روزهای تحصیلی را زهر آنگین و تلخ نخواهد کرد. اکنون دیگر هر جوان و نوجوان ایرانی، که به‌مدرسه و دانشگاه کام می‌نهد، می‌تواند این امید الهام‌بخش را در دل به‌وراند که در راه خدمت و استقلال و آزادی‌مومن، در راه خدمت به‌خلق محروم و برای پیروزی به‌تصیل خواهد پرداخت؛ می‌تواند این آیندهٔ روشن را مجسم کند که نمرهٔ کوشش‌هایش در راه کسب علوفهٔ نصیب انحصارهای خارجی و فاکتور آن داخلی، خانوادهٔ مغفوره‌پهلوی و ایادی آن و زلواهای اجتماع نخواهد شد.

بیشک ابرهای تیره‌ای، که نشانی از خطل است، در افق پیداست، ولی قلب و مغز جوانان و نوجوانان، که در به‌نام رساندن انقلاب بزرگ خلقی، سهم شایستهٔ وگرنه تقدیری داشته‌اند، به‌آن اندازه آبدیده و غنی، پر شور ویر شموارست است که این ابرهای تیره را با پاک‌کن و خودبار نخواهد دید، بلکه هشداردهنده و تهبهن‌کننده خواهد یافت.

آری، آغازی به‌سابقه است و این‌را خود جوانان دانشگاهی و نوجوانان محصل ما به‌خوبی‌می‌دانند، می‌دانند که در این پیروزی دورا ناساز دانش آموزان و دانشجویران چشم بزرگ و فرورد آفرینی دارند. از ۳۵ سال‌تسلط جهنم‌ومرگیار محمدرضای فاسد حتی یک‌سال را نمی‌توان شاهد آورد که دانشگاه‌ها خاموش مانده باشد و بنسنگ دانشکده‌ها و مدارس انجمن‌اهدان و مبارزان خالی. ستهای تبرد دانشگاهی‌ماود این سال‌های خفقان استبداد، بحق‌مایهٔ تهنر و سرنبدی‌همهٔ مردم ایران است. دانشجویران و دانش آموزان ما در تمام این مدت با نااستیکی‌بیان‌گر خواست‌های خلقی‌های محروم ایران شدند و هر مهرما و آغاز سال تحصیلی‌را، هر آذرماه و سالگرد ۱۶ آذر تاریخیرا، هر بن‌منا و یادبود پرورش به دانشگاه‌ها را و هر خانهٔ مسال تحصیلی‌را به‌مناسبت‌هایی برای به‌یادگذاشتن و خشکی‌نا پذیر خورد علوهٔ رژیم سلطنتی دست‌نشانده‌وار با نش و یادایش بدل می‌کردند. طاقتویران هر را، لرنه براندام و ترسان انجمنی از آن‌گر دانشجویران، انواع تدابیر را، از خونین‌ترین سرکوب‌ها تا ظریف‌ترین فریب‌ها، اتخاذ می‌کردند، ولی هر بار با شکستی‌مغضانه رو برو می‌شدند. در سال فراموش نشدنی انقلاب، دانشگاهها و مدارس انجمن‌ترین، شعله‌انگیزترین و پهن‌اندام‌ترین کانون‌های انقلاب بودند. یاد آنچه فر بانی و فداکاری‌واپیاد را خلق ایران، و تاریخیرایران در کن فراموش نخواهد کرد. نقش جوانان و نوجوانان دانشجویران در این انقلاب بزرگ جاودانه‌برسینه‌ها، بر عقول و بر صفحهٔ تاریخ ثبت است.

سال تحصیلی جدید در شرایط به کلی نازمانی آغاز می‌شود. از یک‌سو دستاوردهای بزرگ انقلاب خلقی و ضد امپریالیستی در برابرن همهٔ ماست و لزوم دفاع از آن‌ها، تثبیت و گسترش آن‌ها، انوسوی دیگر فعالیت‌های خلقی‌ها ضد انقلابی و چرخش به‌راست و خطر محو یا محدود کردن بسیاری از این دستاوردها و ضرورت حیثیاری هرچه زرف‌تر و اتحاد هر چه محکمتر به‌خاطر رفح خلق.

این شرایط به کلی تازه، وظایف به کلی نازمانی‌ها در برابر جوانان و نوجوانان در سال تحصیلی جدید فرارمیدهد. باید همهٔ کوشش خلاصهٔ نوآروده، اصولی و بر نرمن را به‌کار برد تا در شرایط جدید، بزداشت کمهٔ نداشت و با وسایل گذشته عمل نکند. باید تحمیل‌مشخمی وضع جدید را در تنه‌های دلمی آن و مسائل جدیدی که هر روز زانیده می‌شود و شوه‌های جدید بر خورد با آن‌ها مدنظر هر دانشجو و دانش آموز آگاه و متعهد و مسؤل باشد.

وظیفهٔ ماست که متوجه باشیم محافل راست‌گرای انحصار طلب‌درا سال تحصیلی جدید خواهند کوشد از بر خورد آزادانهٔ عقاید و افکار جلوگیری کنند، جوویز و محدودی‌را بر محفل دانشگاهها و دبیرستان‌ها تحمیل نمایند، با دستاویرن های نازمانی‌پهلوی آزادی فعالیت و عمل اجتماعی و مشارکت و مشورت در امور را بکنورن، اصل تحمل عقاید دیگران را ناپایده بکنورن. ضد انقلاب هم آشکار و پنهان از این تلاش‌هایشیعانی می‌کند. این گرایش که آیتسب خطرات بسیاری است، با توجه به‌سته‌های درخشان گذشته، بیشک راه‌به‌جائی نخواهد برد، ولی می‌تواند مانع جریان عادی امور تحصیلی

سال تحصیلی جدید در شرایط به کلی نازمانی آغاز می‌شود. از یک‌سو دستاوردهای بزرگ انقلاب خلقی و ضد امپریالیستی در برابرن همهٔ ماست و لزوم دفاع از آن‌ها، تثبیت و گسترش آن‌ها، انوسوی دیگر فعالیت‌های خلقی‌ها ضد انقلابی و چرخش به‌راست و خطر محو یا محدود کردن بسیاری از این دستاوردها و ضرورت حیثیاری هرچه زرف‌تر و اتحاد هر چه محکمتر به‌خاطر رفح خلق.

این شرایط به کلی تازه، وظایف به کلی نازمانی‌ها در برابر جوانان و نوجوانان در سال تحصیلی جدید فرارمیدهد. باید همهٔ کوشش خلاصهٔ نوآروده، اصولی و بر نرمن را به‌کار برد تا در شرایط جدید، بزداشت کمهٔ نداشت و با وسایل گذشته عمل نکند. باید تحمیل‌مشخمی وضع جدید را در تنه‌های دلمی آن و مسائل جدیدی که هر روز زانیده می‌شود و شوه‌های جدید بر خورد با آن‌ها مدنظر هر دانشجو و دانش آموز آگاه و متعهد و مسؤل باشد.

وظیفهٔ ماست که متوجه باشیم محافل راست‌گرای انحصار طلب‌درا سال تحصیلی جدید خواهند کوشد از بر خورد آزادانهٔ عقاید و افکار جلوگیری کنند، جوویز و محدودی‌را بر محفل دانشگاهها و دبیرستان‌ها تحمیل نمایند، با دستاویرن های نازمانی‌پهلوی آزادی فعالیت و عمل اجتماعی و مشارکت و مشورت در امور را بکنورن، اصل تحمل عقاید دیگران را ناپایده بکنورن. ضد انقلاب هم آشکار و پنهان از این تلاش‌هایشیعانی می‌کند. این گرایش که آیتسب خطرات بسیاری است، با توجه به‌سته‌های درخشان گذشته، بیشک راه‌به‌جائی نخواهد برد، ولی می‌تواند مانع جریان عادی امور تحصیلی

سال تحصیلی جدید آغاز می‌شود. سال به کلی به‌سابقه برای نخستین بار دانش آموزان و دانشجویران ایرانی در حالی به‌کلاس درس قدم می‌گذارند که مردم ایران در یک نبرد عظیم انقلابی ضد امپریالیستی و ضد سلطنت‌فاسد استبدادی پیروزی های بزرگ به‌دست آورده‌اند. امسال دیگر نوکران شاه متعلق، یعنی عاملین امپریالیسم، به‌سرکردگی امپریالیسم آمریکا، صهیونیسم و چهارلگری و تحمیل فرهنگی و اشاعهٔ فساد زنگ آغاز سال تحصیلی را به‌صدای خود نخواهند آورد و دیگر، هرگز، ترهات‌شاه مخلوع به‌نام دوام، فضای نخستین روزهای تحصیلی را زهر آنگین و تلخ نخواهد کرد. اکنون دیگر هر جوان و نوجوان ایرانی، که به‌مدرسه و دانشگاه کام می‌نهد، می‌تواند این امید الهام‌بخش را در دل به‌وراند که در راه خدمت و استقلال و آزادی‌مومن، در راه خدمت به‌خلق محروم و برای پیروزی به‌تصیل خواهد پرداخت؛ می‌تواند این آیندهٔ روشن را مجسم کند که نمرهٔ کوشش‌هایش در راه کسب علوفهٔ نصیب انحصارهای خارجی و فاکتور آن داخلی، خانوادهٔ مغفوره‌پهلوی و ایادی آن و زلواهای اجتماع نخواهد شد.

بیشک ابرهای تیره‌ای، که نشانی از خطل است، در افق پیداست، ولی قلب و مغز جوانان و نوجوانان، که در به‌نام رساندن انقلاب بزرگ خلقی، سهم شایستهٔ وگرنه تقدیری داشته‌اند، به‌آن اندازه آبدیده و غنی، پر شور ویر شموارست است که این ابرهای تیره را با پاک‌کن و خودبار نخواهد دید، بلکه هشداردهنده و تهبهن‌کننده خواهد یافت.

آری، آغازی به‌سابقه است و این‌را خود جوانان دانشگاهی و نوجوانان محصل ما به‌خوبی‌می‌دانند، می‌دانند که در این پیروزی دورا ناساز دانش آموزان و دانشجویران چشم بزرگ و فرورد آفرینی دارند. از ۳۵ سال‌تسلط جهنم‌ومرگیار محمدرضای فاسد حتی یک‌سال را نمی‌توان شاهد آورد که دانشگاه‌ها خاموش مانده باشد و بنسنگ دانشکده‌ها و مدارس انجمن‌اهدان و مبارزان خالی. ستهای تبرد دانشگاهی‌ماود این سال‌های خفقان استبداد، بحق‌مایهٔ تهنر و سرنبدی‌همهٔ مردم ایران است. دانشجویران و دانش آموزان ما در تمام این مدت با نااستیکی‌بیان‌گر خواست‌های خلقی‌های محروم ایران شدند و هر مهرما و آغاز سال تحصیلی‌را، هر آذرماه و سالگرد ۱۶ آذر تاریخیرا، هر بن‌منا و یادبود پرورش به دانشگاه‌ها را و هر خانهٔ مسال تحصیلی‌را به‌مناسبت‌هایی برای به‌یادگذاشتن و خشکی‌نا پذیر خورد علوهٔ رژیم سلطنتی دست‌نشانده‌وار با نش و یادایش بدل می‌کردند. طاقتویران هر را، لرنه براندام و ترسان انجمنی از آن‌گر دانشجویران، انواع تدابیر را، از خونین‌ترین سرکوب‌ها تا ظریف‌ترین فریب‌ها، اتخاذ می‌کردند، ولی هر بار با شکستی‌مغضانه رو برو می‌شدند. در سال فراموش نشدنی انقلاب، دانشگاهها و مدارس انجمن‌ترین، شعله‌انگیزترین و پهن‌اندام‌ترین کانون‌های انقلاب بودند. یاد آنچه فر بانی و فداکاری‌واپیاد را خلق ایران، و تاریخیرایران در کن فراموش نخواهد کرد. نقش جوانان و نوجوانان دانشجویران در این انقلاب بزرگ جاودانه‌برسینه‌ها، بر عقول و بر صفحهٔ تاریخ ثبت است.

سال تحصیلی جدید در شرایط به کلی نازمانی آغاز می‌شود. از یک‌سو دستاوردهای بزرگ انقلاب خلقی و ضد امپریالیستی در برابرن همهٔ ماست و لزوم دفاع از آن‌ها، تثبیت و گسترش آن‌ها، انوسوی دیگر فعالیت‌های خلقی‌ها ضد انقلابی و چرخش به‌راست و خطر محو یا محدود کردن بسیاری از این دستاوردها و ضرورت حیثیاری هرچه زرف‌تر و اتحاد هر چه محکمتر به‌خاطر رفح خلق.

این شرایط به کلی تازه، وظایف به کلی نازمانی‌ها در برابر جوانان و نوجوانان در سال تحصیلی جدید فرارمیدهد. باید همهٔ کوشش خلاصهٔ نوآروده، اصولی و بر نرمن را به‌کار برد تا در شرایط جدید، بزداشت کمهٔ نداشت و با وسایل گذشته عمل نکند. باید تحمیل‌مشخمی وضع جدید را در تنه‌های دلمی آن و مسائل جدیدی که هر روز زانیده می‌شود و شوه‌های جدید بر خورد با آن‌ها مدنظر هر دانشجو و دانش آموز آگاه و متعهد و مسؤل باشد.

وظیفهٔ ماست که متوجه باشیم محافل راست‌گرای انحصار طلب‌درا سال تحصیلی جدید خواهند کوشد از بر خورد آزادانهٔ عقاید و افکار جلوگیری کنند، جوویز و محدودی‌را بر محفل دانشگاهها و دبیرستان‌ها تحمیل نمایند، با دستاویرن های نازمانی‌پهلوی آزادی فعالیت و عمل اجتماعی و مشارکت و مشورت در امور را بکنورن، اصل تحمل عقاید دیگران را ناپایده بکنورن. ضد انقلاب هم آشکار و پنهان از این تلاش‌هایشیعانی می‌کند. این گرایش که آیتسب خطرات بسیاری است، با توجه به‌سته‌های درخشان گذشته، بیشک راه‌به‌جائی نخواهد برد، ولی می‌تواند مانع جریان عادی امور تحصیلی

سال تحصیلی جدید در شرایط به کلی نازمانی آغاز می‌شود. از یک‌سو دستاوردهای بزرگ انقلاب خلقی و ضد امپریالیستی در برابرن همهٔ ماست و لزوم دفاع از آن‌ها، تثبیت و گسترش آن‌ها، انوسوی دیگر فعالیت‌های خلقی‌ها ضد انقلابی و چرخش به‌راست و خطر محو یا محدود کردن بسیاری از این دستاوردها و ضرورت حیثیاری هرچه زرف‌تر و اتحاد هر چه محکمتر به‌خاطر رفح خلق.

این شرایط به کلی تازه، وظایف به کلی نازمانی‌ها در برابر جوانان و نوجوانان در سال تحصیلی جدید فرارمیدهد. باید همهٔ کوشش خلاصهٔ نوآروده، اصولی و بر نرمن را به‌کار برد تا در شرایط جدید، بزداشت کمهٔ نداشت و با وسایل گذشته عمل نکند. باید تحمیل‌مشخمی وضع جدید را در تنه‌های دلمی آن و مسائل جدیدی که هر روز زانیده می‌شود و شوه‌های جدید بر خورد با آن‌ها مدنظر هر دانشجو و دانش آموز آگاه و متعهد و مسؤل باشد.

وظیفهٔ ماست که متوجه باشیم محافل راست‌گرای انحصار طلب‌درا سال تحصیلی جدید خواهند کوشد از بر خورد آزادانهٔ عقاید و افکار جلوگیری کنند، جوویز و محدودی‌را بر محفل دانشگاهها و دبیرستان‌ها تحمیل نمایند، با دستاویرن های نازمانی‌پهلوی آزادی فعالیت و عمل اجتماعی و مشارکت و مشورت در امور را بکنورن، اصل تحمل عقاید دیگران را ناپایده بکنورن. ضد انقلاب هم آشکار و پنهان از این تلاش‌هایشیعانی می‌کند. این گرایش که آیتسب خطرات بسیاری است، با توجه به‌سته‌های درخشان گذشته، بیشک راه‌به‌جائی نخواهد برد، ولی می‌تواند مانع جریان عادی امور تحصیلی

دردوان توقیف بدون دلیل «مردم»، ازجانب کمیته مرکزی حزب توده ایران نام‌ها، اعلامیه‌ها و بیانیه های متعدد بنسبیت رویدادهای گوناگون انتشار یافت.

از آنجاکه این اسناد، بعلت محدودیتهای موجود، دسترس همه علاقمندان قسار نگرفته است، «مردم» بار دیگر این اسناد را، بر حسب تاریخ انتشار، بچاپ میرساند تا همگان از آن اطلاع یابند.

دردوان توقیف بدون دلیل «مردم»، ازجانب کمیته مرکزی حزب توده ایران نام‌ها، اعلامیه‌ها و بیانیه های متعدد بنسبیت رویدادهای گوناگون انتشار یافت. از آنجاکه این اسناد، بعلت محدودیتهای موجود، دسترس همه علاقمندان قسار نگرفته است، «مردم» بار دیگر این اسناد را، بر حسب تاریخ انتشار، بچاپ میرساند تا همگان از آن اطلاع یابند.

متاسفانه نه‌فقط این پیشنها‌ها مورد توجه مقامات مسئول قرار نگرفته است، بلکه تصمیم وزارت کشور دربارهٔ انتخابات شوراهای شهر نشان میدهد که دولت تصمیم دارد تشکیل شوراهای شهر را چنانچنین‌نظام شورائی پیشنهادی **آیت‌اله طالقانی** سازد، و این نخستین و مهمترین انتقادی است که ما به این تصمیم داریم، زیرا، از پیشنهاد حزب توده ایران در این زمینه که بگذریم، نظام شورائی پیشنهادی **آیت‌اله طالقانی** بر مآتب از متن لایحه قانون انتخابات شوراهای شهر، که توسط وزارت کشور انتشار یافته، کاملاً، منسجم‌تر و دمکراتیک‌تر است. از این انتقال اصولی و اساسی که بگذریم، ناقص جدی دیگری نیز در این زمینه وجود دارد، که مهمترین آن شرح زیرین است:

(۱) دهر انتخاباتی، ازجمله انتخابات شوراهای شهر، باید خصوصیات ملی انجام گیرد. درواحه‌های ملی، شوراهای حقوق

تعیین میکنند...

شبیبه این پیشنهاد، که ماهیت آن تا این‌وقت تعیین شرکت واقعی مردم در تعیین سرنوشت خویش است، ازجانب بسیاری از محافل و شخصیت‌های انقلابی و مترقی نیز ارائه شده، که در این زمینه، قبل از همه، باید از نظام شورائی پیشنهادی رو‌اشاد **آیت‌اله طالقانی** یاد کرد.

متاسفانه نه‌فقط این پیشنها‌ها مورد توجه مقامات مسئول قرار نگرفته است، بلکه تصمیم وزارت کشور دربارهٔ انتخابات شوراهای شهر نشان میدهد که دولت تصمیم دارد تشکیل شوراهای شهر را چنانچنین‌نظام شورائی پیشنهادی **آیت‌اله طالقانی** سازد، و این نخستین و مهمترین انتقادی است که ما به این تصمیم داریم، زیرا، از پیشنهاد حزب توده ایران در این زمینه که بگذریم، نظام شورائی پیشنهادی **آیت‌اله طالقانی** بر مآتب از متن لایحه قانون انتخابات شوراهای شهر، که توسط وزارت کشور انتشار یافته، کاملاً، منسجم‌تر و دمکراتیک‌تر است. از این انتقال اصولی و اساسی که بگذریم، ناقص جدی دیگری نیز در این زمینه وجود دارد، که مهمترین آن شرح زیرین است:

پس از حوادثی که در کردستان گذشت، اکنون محافل مختلف سیاسی و اجتماعی کشور به پاسخ این سؤال می‌انديشند که چه‌باید کرد تا به جنگ برادر کشی پایان داده شود، مسئله بطور بنیادی حل شود و امکان بروز حوادث دیگر در کردستان از میان بریزید؟

آقای مهندس بازرگان نخست‌وزیر، در نظقی که هنگام مسافرت اخیر به‌مهاباد ایراد کرد، گفت: «از همه انتظار این را داریم که بما کمک کنند، همراهی کنند، تا در آن چیزی که رضای خدا و خیر امت در آنست، موفق شویم و این لکه ننگ تاریخ را، که اختلاف بین سنی و شیعه و عرب و فارس و کرد و ترک هست، از بین ببریم.» حزب توده ایران نخستین و تنها سازمان سیاسی است

دشمارت اجتماعی دانشجویان و دانش آموزان ما باشد و در نهایت امر به اهداف انقلاب و تحکیم آن‌ان دربان‌های جدی وارد سازد.

وظیفهٔ ماست که متوجه باشیم هر گونه هر چه مرج و تدریسی‌های موضوعی بر خورش، اما بی‌محتوی و سبک‌رانه، می‌تواند بهترین وسیله برای دادن بهانه، هم‌بضد انقلاب و هم به‌محافل راست‌گرای انحصار طلب باشد، می‌تواند بجای آن‌که کوشش اساسی را در جهت اتحاد همهٔ گروه‌ها و گرایش‌های انقلابی و مؤمن به نبرد ضد امپریالیستی و آزادی‌خوانانه متمرکز کند، به‌سوی نفاق و چند دستگی بکشد، نیروها در هر دهه و به‌جانب هم‌بیاندازد و از جهت دیگری مانع جریان عادی امور تحصیلی و شرکت فعال و مؤثر در دینبرد ضرورت اجتماعی به‌خاطر پیشبرد راستین انقلاب شود.

باید متوجه و به‌وش باشیم نسا بتوانیم سال تحصیلی تازه‌را به‌سالم اتحاد نیروهای واقعی انقلابی و مترقی، به‌سالم انفرادی و نهائی ضد انقلابی آشکار و پنهان تو خدمت گزاران آشکار و پنهان امپریالیسم بدل سازیم. بر استی دانشگاهها و مدارس ما، که سال‌های سال ندای نبرد متحد شد شاه ضد استعمار می‌دادند، چرا حالا نتوانند نمونه‌ای برای وحدت عمل همهٔ گروه‌ها و گرایش‌های سیاسی و اجتماعی که دارای هدف مشترک ضد امپریالیستی و خلقی هستند، به‌دست‌دهند؟

بوش باشیم و به‌المسارطلبی و به‌مرج و مبدان ندیم. بلوغ نسل جوان دانشجویره را در این دوره بفرنج-

دوره هفتم، سال اول، شماره ۵۷، پنج‌شنبه ۱۲ مهرماه ۱۳۵۸

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره مسئله کردستان

بقیه صفحه ۴

مثبت مهدیم و میخواستیم برای از بین بردن این «لکه ننگ تاریخ» به دولت مومت جمهوری اسلامی کشورمان کمک و همراهی کنیم و لذا بار دیگر و با تفصیل بیشتر، علل بروز بحران کردستان و راه حل آن را بیان داریم.

در آغاز طرح مسئله، خود را از تذکر یکرشته واقعیات ناگزیر میدانیم. پایه این واقعیات عبارت از اینست که در ایران خلقهای ستم‌دیده‌ای وجود دارند، که یکی از آنها خلق کرد است. این خلق طی قرون و اعصار متمادی تاریخ در میهن خود ایران، دوش بدوش همه خلقهای برادر زیسته، در ایچاد فرهنگ غنی ایران شرکت نموده و در راه آزادی و استقلال ایران جانانی‌ها کرده و قربانی‌ها داده است. تاریخ شاهد آنست که خلق کرد در دورانهائی در صف مقدم همه خلقهای مسلمان قرار گرفته، و بسرکردگی مردانی چون صلاح‌الدین ایوبی، از استقلال و آزادی این خلفها و از تمدن و فرهنگ آنها علیه مهاجمان صلیبی دفاع کرده و حق بزرگی بگردن جنبش رهائی‌بخش این منطقه جهان نهاده است.

پس از برقراری تسلط امپریالیسم و استبداد بر میهن ما ستم‌ملی به‌بخشی از سیاست دولتهای دست‌نشانده و استبدادی‌مبدل شد و خلقای محروم ایران زیر ستم مضاعف قرار گرفتند.

منظره عمومی اعمال این ستم و نتایج آن در کردستان چنین بود که در سرتاسر دوران حکومت خاندان پهلوی، حق انتخاب انجمن‌های ایالتی و ولایتی‌مصرف‌بدرقانون اساسی سابق، از خلق کرد نیز، مانند دیگر مردم ایران، سلب شده بود. خلق کرد حق مذاخله در امور صرفاً محلی را نیز نداشت و همه مأموران و استانداران و فرمانداران و رؤسای ادارات از طرف شاه و دولت وی نرستاده میشدند، که در اینجا نیازی به توصیف اعمال و خسوسی آن ابلیس صفتان نیست. اکثریت قریب به‌اتفاق نمایندگان مناطق کردنشین در مجلس شوایملی، گماشتگان دربار و ایادی امپریالیسم و استعمار بودند و خلق کرد در «انتخاب» آنها کمترین دخالتی نداشت. مأموران کشوری و لشکری و ساواکی، همدست با سخوانین و دیگر گردنکشان محلی و مرکز نشینان طاغوتی، این خلق محروم را می‌چاپیدند. به جای آبادی و فرهنگ و بهداشت، به کردستان تانک و توپ و پلیس میفرستادند. هر گاه کاسه صبر این خلق لبریز میشد و سر باعراض بر می‌داشت، در نهایت تساوت و بیرحمی و بعنوان مبارزه با «قطع الطریق» و «تجسس» و «تجزیه‌طلب» وی را سرکوب میکردند. بارها و بارها در کردستان سیل خون مردم بیگناه برآه افتاد. مردم کرد زیر ساطور مأموران شاه مخلوع قتل‌عام میشدند و امکان‌سازندن حرف خود بمردم ایران و دادخواهی از وجدان پاک هم‌میهنان خود را نداشتند. خلق کرد از حق تحصیل زبان مادری، که شرط اساسی برای از بین بردن بیسوادی و بالابردن سطح فرهنگ عمومی است، محروم بود. فرهنگ هنرملی مردمی خلق کرد، که یکی از ارکان بزرگ معنویات ویرا تشکیل میدهد، راهی برای رشد نمییافت. و بطور تصنعی و اجباری، بارکود و فراموشی و اوافول مواجه میگردد. هویت و موجودیت ملی خلق کرد مورد نفی و انکار و اهانت قرار میگرفت. در

باره رشد صنعت و کشاورزی و بازرگانی و راهسازی و آبادانی و آموزش و پرورش و بهداشت و غیره اصولاً سخنی نمیتوان گفت، زیرا رژیم پهلوی کردستان را از این مواهب و نعمات محروم ساخته بود، بطوریکه از این لحاظ کردستان، در ایران محروم و عقب‌مانده، در ردیف عقب‌مانده‌ترین و محرومترین مناطق کشور بود.

این بود گوشه‌ای از منظره واقعی آن کردستانی که‌شاه مخلوع ریاکارانه آنرا «عهد تمدن آر بانی» مینامید. کلیه آنچه همه مردم ایران وارد میگردد، و بخش دیگر آن، ستم ملی و منحص کرد‌ها و دیگر خلقهای ستم‌دیده ایران بود) زندگی را برای مردم کردستان به جهنم واقعی مبدل کرده بود. این سیاست و این وضع تا انقلاب پیروزمند مردم ایران ادامه داشت. خلق کرد در سیمای این انقلاب رمز رهائی و سعادت خود را مشاهده میکرد، و لذا با تمام توانائی در آن و محرومیت و عقب‌ماندنگی هم‌سهم، مامیخواستیم که حدیث انسانی ما خنده‌دار نگردد. مامیخواستیم این حق طبیعی بما داده شود که در چهارچوب وحدت ملی و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی و مرکزیت قدرت دولتی از خود مختاری اداری و فرهنگی برخوردار باشیم.

باین ترتیب بروشنی دیده‌میشود که علیرغم اسراربرخی از مقامات درادامه سیاست سرکوب نظامی، در عقول و قلوب همگان، یک‌زمینه مردمی و معقول‌درباره مسئله کردستان وجود دارد. ما با احساس مسؤلیت و تعهدی که در مقابل میهن، خلقی و انقلاب داریم وادربار فرنجی‌مسله ملی و با نفهم‌اینکه خرابیهای رژیم گذشته را نمیتوان یک‌شبه مرت‌کرد و این کار به برنامه‌ریزی، سازماندهی، تهیه‌کار، و مسائل و بالاخره به

زمان و محیط مساعد احتیاج‌دارد، میخواستیم در پاسخ فرخوان نخست‌وزیر، پیشنهادهای مشخص خود را، که هدف آن خارج شدن از بن‌بست و قراردادادن مسئله کردستان در مسیر سالم و صفا و اتحاد است، بار دیگر مطرح سازیم.

دولت باید این واقعیت بی چون و چرا را قبول کند که مسئله کردستان یک‌مسئله نظامی نیست تا از طریق نظامی قابل حل باشد، بلکه همانطور که در بالا شرح داده شد، یک مسئله سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. لذا دولت باید سیاست خود را در کردستان بر مبنای راه حل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قرار دهد. راه حل نظامی در بهترین حالت فقط مسکن است و نه علاج، آنهم مسکنی که پس از آنکه تأثیرش سیری شده، ممکن است دردهای بس شدیدتری را بدنبال داشته‌باشد، که‌مادر گذشته‌بارها و بارها شاهد آن بوده‌ایم.

لذا به **دولت پیشنهاد میکنیم** : بی‌درنگ به‌عملیات نظامی پایان دهد، آتش بس اعلام کند، محاکمه و صدور رأی در دادگاههای انقلاب را متوقف سازد و آمادگی خود را برای مذاکره و حل‌مسالمت‌آمیز و سیاسی مسئله کردستان اعلام نماید. توده‌های آگاه و روشن‌بین خلق کرد باید این واقعیت بی‌چون و چرا را، که خود بر آن واقفند، امروز عمیق‌تر درک کنند که سرنوشت خلق کرد بطور ناگسستی با سرنوشت همه مردم ایران بستگی دارد و آزادی این خلق از رژیم ستم‌ملی و اجتماعی در گرو پیروزی قطعی و نهائی انقلاب ایران است. به‌وجود، که جز سرگردانی و گمراهی و فاجعه‌چیزی ببار نمی‌آورد.

لذا **به توده‌های آگاه و روشن‌بین خلق کرد پیشنهاد میکنیم**، با تأثیر نیرو و ابتکار انقلابی و شجاعت معنوی خود از درگیری با تمام نیروهای دولتی و پاسدار احتراز کنند و برای پایان‌دادن به محیط مسموم و بحران‌زای ناشی از حوادث ناگوار اخیر، برای ایجاد محیط سالم و آرام بمنظور مذاکره و حل‌مسالمت‌آمیز و سیاسی مسئله کردستان، یافتن زبان مشترک و تقاضم با دولت جمهوری اسلامی ایران و سرانجام تحقق حقوق حقه ملی خود، از هر امکان و فرصت و وسیله مسالمت‌آمیزی استفاده کنند.

خلاصه آنکه، **ما به دو طرف پیشنهاد میکنیم: بیدرزک و هم‌زمان به عملیات نظامی پایان دهند و آمادگی خود را برای مذاکره و یافتن راه حل سیاسی و مسالمت‌آمیز مسئله کردستان اعلام دارند.**

مذاکره برای یافتن راه حل سیاسی و مسالمت‌آمیز مسئله کردستان برای رسیدن به‌دهفهای مبرم زیرین است:

۱- تأمین خواستهای بحق و مشروع مردم کردستان در زمینه پایان‌دادن به محرومیتهای ملی.

۲- تأمین اتحاد همه نیروهای راستین انقلابی برای ریشه‌کن ساختن عوامل امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم امریکا، صهیونیسم، ارتجاع و رژیم پهلوی در منطقه کردستان و در سراسر ایران.

بنظر ما، تشکیل شوراهای - آنطور که فقید سعید آیت‌الله طالقانی پیشنهاد میکرد و بتصویب امام‌خینی و شورای انقلاب هم رسیده بود- میتواند زمینه مناسبی برای مذاکره بمنظور تثبیل به‌دهفهای فوق باشد.

چنین است پیشنهادهای ما، که البته میتواند، یکمک پیشنهادهای سایر نیروهای انقلابی، کاملتر، عمیق‌تر و کاراتر شود. ما با احساس مسؤلیت کامل در برابر مردم ایران، خلق کرد و انقلاب ایران، و واقعیتینی انقلابی و اصولی این پیشنهادها را طرح کرده‌ایم و همانطور که در بیانیه کمیته مرکزی حزب به‌مناسبت حوادث اخیر کشور، مورخ ۶ شهریور ۱۳۵۸، تأکید شده است، آماده‌ایم تمام نیرو و امکان خود را برای حل‌مسالمت‌آمیز و عادلانهٔ مسئله کردستان بکار بایریم. ما امیدواریم این پیشنهادها و سایر پیشنهادهای ناشی از حسن‌نعمت و مسؤلیت، مورد قبول مقامات دولتی و مسئول قرار گیرد. در آن صورت آب بر آتش پاشیده و سنگرها بر چیده خواهد شد و برادران به آغوش هم باز خواهند گشت. در آن صورت عمال امپریالیسم امریکا، صهیونیسم و ایادی شاه مخلوع منفرد و برملا و بدست خود خلق سرکوب خواهند شد، دیگر زمینه و بهانه و دستاویزی برای تحریک و توطئه نخواهند یافت.

مسئله کرد یک واقعیت خلقی و انسانی است. ضد انقلاب میکوشد از آن علیه انقلاب و به‌ساست استفاده کند. دلیلی ندارد که انقلاب از این واقعیت بسود خود حسن استفاده نکند و با قبول حقوق عادلانهٔ یک خلق، آنرا بسرباز و فسادار خود مبدل سازد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۲ مهرماه ۱۳۵۸

ملاك انقلابی بودن و ضد انقلابی بودن چیست؟

انتساب افراد و گروهها به انقلابی، یا ضد انقلابی، بودن، علیرغم عوالب بزرگی که چنین انتساباتی دربر دارند، متأسفانه آسان و بدون مسئولیت انجام میگردد. باید دید ملاک چنین انتسابی چیست؟ آیا هر کسی یا هر مرجعی حق دارد هر مطلبی را که موافق فکر و نیت خود باشد یا ناپاید، انقلابی یا ضد انقلابی بنامد؟ انقلابی بودن یا ضد انقلابی بودن در زمان ما، در جامعه ما، دارای ملاک معینی روشنی است که تفاوت بر پایه آن، منطقی و عادلانه است و بدون توجه به آن، تفاوت به خطا می رود.

در ایران، انقلابی علیه رژیم گذشته صورت گرفته، که منجر به سقوط آن شده است. چه مردم با رژیم گذشته مخالف بودند؟ آیا برای آنکه این رژیم را برای ستم گیری چپ و تمايلات آنکه آن رژیم به کشورهای سوسیالیستی وا بگردد داشت؛ یا یکی برعکس، بدلیل آنکه رژیم دارای تمايلات استبدادی و فاشیستی بود و از دستورهای امپریالیسم و برراس آن امپریالیستهای آمریکا و انگلیس اطاعت میکرد و با صهیونیسم همکاری صمیمانه داشت؟ تصور می رود پاسخ باین سؤالات بر همه کسانی که در کشور ما زندگی میکنند، مانند آفتاب روشن است.

توقیف میشوند، مانند مرغی در روسی و وز انعام میشوند و دستخوش تهدید دائمی کسانی هستند که خود را بدو حمله هواداران صمیمی انقلاب جلوه میدهند؟ مگر قرار نیست انقلاب، مارا از وابستگی به امپریالیسم رها کند، آزادی های سیاسی و اجتماعی را برقرار سازد، حقوق حقه مردم را تأمین نماید و همه زنان و مردان و خلق ها و اقواساکن ایران را به برابری حقوق نائل گرداند مگر این ستوراه اساسی انقلاب نیست مگر انقلابی کسی نیست که اینها را بطلاند؛ پس چرا در نزد برخیها مطلب بکلی واژون میشود و اتفاقاً در دست کسانی که اینها را مطالبند، باید سایه خطر و فقدان امنیت شخصی و جمعیتی را روی خود احساس کنند و سر نوشت آنها، پس از انقلاب نظیر سر نوشت آنها در ایام تسلط استبداد سلطنتی باشد؟ آری، انقلاب ما انقلابی است حلی و دمکراتیک یعنی خواهان استقلال و دمکراسی، یعنی خواهان حق حاکمیت کامل ایران، تا مبن آزادی و رفاه عمومی، نول به ترقی منمنی و کشاورزی و فرهنگی، تأمین برابری حقوق مردم، انقلابیون اصیل و صمیم آنها می هستند که در راه مبارزه کرده اند و مبارزه میکنند.

کسانی ضد انقلابی، بمنای جدی این کلمه هستند، که واقفاً این عهدها را نمیخواهند و مایلند نهایت گذشته رژیم پهلوی ما (با یکی بزرگ و با برخی تنهیر عنوان ها) ادامه یابد. برای چنین عناصری معنای انقلاب گویا آنست که رقیب سابق آنها در قدرت و حکومت از میان برود و خودشان سرکار بیایند و ضد انقلاب یعنی هر کسی که با این قدرت نوظهور کمترین انتقادی وارد کند و یا حاضر به تالیف در بست نباشد. روشن است که با چنین ملاک ذهنی و خودسرانه ای، هر برجسی را آسان میتوان وارد ساخت و در نتیجه سر نوشت انقلاب را بخطر انداخت. کمترین شرط علاقه به سر نوشت انقلاب، مراعات عدالت در قضاوتهاست.

اطلاعیه کمیته مرکزی حزب توده ایران:

رفیق علی امیر خیزی عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران و یکی از پیش کسوتان جنبش کارگری ایران درگذشت

ایران شرکت جست در تهران، آذربایجان و مازندران، با شور و هجانی که خاص او بود، فعالیت داشت.

پس از اعلام غیر قانونی شدن حزب، رفیق امیر خیزی به مهاجرت رفت. در مهاجرت نیز، بعنوان عضو کمیته مرکزی، در فعالیتهای سیاسی مستمر شرکت داشت و با علاقه فراوان حواریت جنبش انقلابی را در ایران و جهان دنبال میکرد.

رفیق علی امیر خیزی وطن خود ایران را با هجان دوست داشت. به ادبیات غنی کشور ما آشنا بود، خود شعر میسرود و برخی از اشعارش نیز در مطبوعات حزبی نشر یافته است. وی مبارزی شجاع و صریح و انسانی شوخ طبع، نیک نفس، خوش بین و با نشاط بود و جنبش و تلاش، علیرغم کمر سن و بیماری، هرگز او را ترک نکرد.

دوستان و همزمان امیر خیزی، با درگذشت او، یک دوست و رفیق با تاجر به مهریان را از دست دادند و حزب یکی از پیش کسوتان اندک جنبش کارگری ایران را، که امثالشان اینک کم شمارند.

ما از مصمم قلب به باو امیر خیزی، که پس از تحمل یک دوری سی ساله و علیرغم مساعد شدن شرایط، متأسفانه به دیده یار زندگی خود موافق نشد و نیز فرزندان و خوشیشان آن شادروان و همه رفقای حزبی و همه دوستان وی تسلیت میکنیم.

نام علی امیر خیزی در دفتر جاویدان خدمتگزاران خلق و جنبش زحمتکشان ایران ثبت خواهد بود. زندگی او روشن با دیاد او ۱

کمیته مرکزی حزب توده ایران
مهرماه ۱۳۵۸

باندوده و تاسف فراوان اطلاع یافتیم که رفیق علی امیر خیزی، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، منتخب از دومین کنفرانس حزب، در سن ۸۶ سالگی، پس از سی سال مهاجرت، در شهر مسکو، زندگی را بدرود گفت.

رفیق علی امیر خیزی که نیرو و نشاط حباتی خود را تا آخرین روزهای زندگی حفظ کرده بود، بویژه پس از پیروزی انقلاب بزرگ مردم ما بر سلسله شوم پهلوی، امید فراوان داشت که به دیدار مهن خود باریکتر توفیق یابد. افسوس کم عمر کاورا دریافت و این آرزوی عادلانه و بی حقاوبر آورده نشد.

رفیق علی امیر خیزی در سال ۱۲۷۶ شمسی، در شهر تبریز، در محله امیر خیز، متولد شد. چریان انقلاب مشروطیت ایران، کمورد آن برادر ارشدش شرکت فعال داشت، در دوران نوجوانی (از سن ۱۳ تا ۱۸ سالگی) گذشت و وی در کنار برادر، گرمای شمله های این انقلاب را از نزدیک احساس کرد و از آن خاطرات فراوان داشت.

امیر خیزی در جنبش ملی شاهروان شیخ محمد خبابانی و سپس جنبش گیلان شرکت داشت و از همین تاریخ زندگی سیاسی و انقلابی آگاهانه اش آغاز میشود. وی با گردان انقلاب ما تندستارخان و حمید عسوافلی از نزدیک آشنا بود. پس از تاسیس حزب کمونیست ایران، رفیق امیر خیزی بدان پیوست و طی قریب شصت سال از عمر خویش را در صفوف حزب طبقه کارگر ایران گذراند.

در دوران رضاشاه، رفیق امیر خیزی به سبب فعالیت های سیاسی خود زندانی و تبعید شد. وی پس از سقوط رژیم استبدادی رضاشاه و بازگشت از تبعید، در صفوف حزب توده



ملاقات وزیران امور خارجه اتحاد شوروی و ایران

آندره گرومیکو، وزیر خارجه اتحاد شوروی، با دکتر ابراهیم یزدی، وزیر امور خارجه ایران، در نیویورک ملاقات و گفتگو کرد. در این دیدار مسائل مربوط به مناسبات دو جانبه هوروی و ایران مورد بحث قرار گرفت. وزیران امور خارجه دو کشور همچنین برخی مسائل بین المللی و مسائل مربوط به کار اجلاس کنونی مجمع عمومی سازمان ملل متحد را بررسی کردند.

روابط شوروی و چین

در مسکو ملاقات مقدماتی هیئت های نمایندگی دولت اتحاد شوروی و جمهوری خلق چین برگزار شد. طرفین درباره انجام مذاکرات توافق حاصل کردند. موافقت شد که این مذاکرات به نوبت در مسکو و پکن انجام گیرد.

کارزار تبلیغاتی ضد کوبانی در آمریکا

خبرگزاری ناس در مورد کارزار تبلیغاتی ضد کوبانی در آمریکا تفسیری منتشر ساخت که در آن گفته میشود، با اینکه پرسنل نظامی شوروی در کوبا نه از لحاظ تعداد و نه از لحاظ وظایفی که دارند برای آمریکا و یا کشور دیگری نمیتواند هیچ گونه خطری داشته باشند، اما محافل تبلیغاتی امریکائی این کارزار را دامن میزنند. در تفسیر خبرگزاری ناس ذکر شده است که این تبلیغات فقط میتوانند نام تجمل مسائل بین المللی و گسترش موفقیت آمیز مناسبات دو کشور گردد. مفسر ناس می نویسد، هفده سال پیش هم محافل تبلیغاتی امریکائی، به چانه حضور پرسنل نظامی شوروی در کوبا با یک چنین کارزار تبلیغاتی ضد شوروی و ضد کوبا برآه انداختند. رئیس جمهور امریکا، جمعی کارکن، با اینکه در سخنان چندین پیش خود اذعان کرده بود که پرسنل نظامی شوروی، که در کوبا هستند، هیچگونه خطری برای امریکا ندارند، مع الوصف اکنون ما مشین عظیم تبلیغاتی امریکا علیه کوبا و پرسنل نظامی شوروی در آن کشور بکار افتاده است.

دار و دسته پل پوت نماینده کامپوچیا نیست

روزنامه دهان ایران، چاپ هسائی نوشته است که واگذاری مجدد مقام کامپوچیا در سازمان ملل متحد به نمایندگی دار و دسته رژیم سر لکون شده پل پوت، با منشور این سازمان و منطق مغایرت دارد. این تصمیم مجمع عمومی، که در نتیجه توطئه های امریکوچین اتخاذ گردیده است، میتواند برای حیثیت این سازمان و همچنین صلح و ثبات در منطقه آسیای جنوب شرقی عوالب نامطلوبی در پی داشته باشد. بسیاری از نمایندگان در جریان بحث های عمومی هیات امن مسئله نمایندگی کامپوچیا لزوم اخراج نماینده دار و دسته پل پوت را متذکر شدند.

وضع مستمری بگیران سازمان

تأمین اجتماعی

کارگرانی که بیمه هستند، هنگام بازنشستگی معمولاً از سازمان تأمین اجتماعی، حقوق بازنشستگی (مستمری) خود را دریافت میکنند. و این مستمری، پس از فوت آنها، به همسر (تازمانی فرزندان) (تازمانی که اشتغال به تحصیل دارند) پرداخت میشود. به علت حق کتشی و ضعف سهم سازمان تأمین اجتماعی، ۹۵٪ این مستمری بگیریان، پس از سالها (حتی ۲۰ یا ۳۰ سال کار، همراه با پرداخت حق بیمه) و به علت حق کتشی از طرف کارفرمایان و حمایت آگاهانه و غیر مستقیم سازمان تأمین اجتماعی از کارفرمایان، از قبیل نفرستان بازرس به کارگاهها و تمین حداقل دستمزد به عنوان تفرقه در نتیجه پرداخت کمتر حق بیمه از طرف کارفرما به سازمان تأمین اجتماعی، کارگران بر اساس حداقل دستمزد مستمری بازنشستگی خود دریافت میکنند. قابل توجه است که ۹۵٪ مستمری بگیریان را همسر و فرزندان کارگران تشکیل میدهند و فقط ۵٪ آنها به سن بازنشستگی میروند و شخصاً مستمری بازنشستگی دریافت میکنند. ولی آنها هم به زودی فوت میکنند.

تا مرداد ماه ۱۳۵۸، مبلغ این حداقل دستمزد ۶۳۰۰ ریال بود، که همیشه مورد اعتراض مستمری بگیریان بود. البته این رقم ۶۳۰۰ ریال هم، پس از افزایش یک ضرب بود و چند ماه قبل از آن، مثلاً در سال گذشته، کمتر از این میزان بود. از مرداد ماه ۱۳۵۸، با افزایش حداقل دستمزد به ۱۲۰۰۰ ریال و پرداخت آن از فروردین ماه ۱۳۵۸، موجی از شادمانی در میان

«مردم» روزانه شد

هموطنان! رفقای حزبی! همواداران و دوستان حزب!

با آغاز سی و نهمین سال تاسیس حزب توده ایران، روزنامه «مردم»، ارگان مرکزی حزب، بغیر از روزهای تعطیل، روزانه منتشر میشود. انتظار داریم که با کمک معنوی و مادی به «مردم» و بویژه بخش هر چه وسیعتر آن، به انجام وظایف خطیری که «مردم» در پیشبرد مشی حزب و در دفاع از انقلاب بزرگ مردم ایران برعهده دارد، یاری رسانید.

«مردم»

مستمری بگیریان بوجود آمده است، زیرا مبلغ دریافتی اینک حدود ۲/۵ برابر دریافتی آنها در تهرماه یا اسفند ماه است.

اما از آنجا که طبق سنت های خاص ایرانی، این همسران (عمده مستمری بگیریان را زن های بیوه تشکیل میدهند) پس از فوت همسر ازدواج نمیکند، و معمولاً هر یک ۲ تا ۶ و گاه ۸ فرزند هم دارند، با توجه به تورم موجود و اصولاً بالا بودن هزینه زندگی، اگر چه این مبلغ ۲/۵ برابر مبلغ قبلی، اما همچنان پاسخگوی کامل نیازهای خانوادگی این مستمری بگیریان نیست. هنوز هم بخش عمده این مبلغ راه بر کاپه خانه میدهد و هنوز هم بخشی از مخارج خود را کسر می آورند و بناچار تعدادی از این همسران مستمری بگیر، برای تأمین کسری مخارج خود، کار میکنند.

قانون اساسی ایران باید بازتاب انقلاب ضد امپریالیستی و دمکراتیک مردم ایران باشد